

## بررسی جایگاه یادگیری مداوم در اسناد بالادستی آموزش و پرورش با تأکید بر سند تحول بنیادین و

### سند برنامه درسی ملی

نجمه احمدآبادی آرانی<sup>۱</sup>، فاطمه دشتی<sup>۲</sup>، زینب احمدآبادی آرانی<sup>۳</sup>

۱- دانشجوی دکتری فلسفه تعلیم و تربیت و مدرس دانشگاه فرهنگیان کاشان

۲- دانشجوی کارشناسی علوم تربیتی دانشگاه فرهنگیان کاشان - مرکز آموزش عالی امام خمینی

۳- دانش آموخته کارشناسی الهیات و آموزگار مقطع ابتدایی آموزش و پرورش شهرستان آران و بیدگل

### چکیده

هدف پژوهش حاضر، بررسی جایگاه یادگیری مداوم در اسناد بالادستی آموزش و پرورش با تأکید بر سند تحول بنیادین و سند برنامه درسی ملی است. روش پژوهش توصیفی-تحلیلی (اسنادی) است. یافته های پژوهش بیانگر آن است آموزش مداوم دارای جامعیتی است که کلیه اجزا و عناصر آموزشی و پرورشی را در برمی گیرد. این نوع آموزش، نظام آموزشی خاصی نیست، بلکه بستری است که هر طرح آموزشی جامع بر مبنای آن ایجاد می شود، لذا باید زمینه ساز پیشرفت و توسعه هر یک از اجزای تشکیل دهنده نظام تربیتی باشد. در اسناد بالادستی آموزش و پرورش از جمله سند تحول بنیادین و سند برنامه درسی ملی به اهمیت یادگیری مداوم توجه شده است و به منزله نقشه های راه، زمینه ایجاد تحول همه جانبه، گسترده و عمیق در مفاهیم و محتوای آموزشی را فراهم می آورد. این اسناد تحول آفرین با تدارک فرصت های تربیتی متنوع و جامع، درصدد است تا امکان کسب شایستگی های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت براساس نظام معیار اسلامی توسط دانش آموزان را میسر سازد و آنان را برای تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش تا دستیابی به مراتبی از حیات طیبه یاری رساند.

**کلید واژگان:** سند تحول بنیادین، سند برنامه درسی ملی، یادگیری مادام العمر، تعلیم و تربیت

## مقدمه

فلسفه یادگیری، در سر تا سر زندگی انسان و انجام هر کاری وجود دارد. اگرچه این قابلیت همواره در طول تاریخ وجود داشته، اما در گذشته، نیاز کمتری نسبت به کاربرد آن احساس می شد. از اوایل قرن بیستم، تغییر و تحولات سریع جهانی، چهره‌ی تازه‌ای به انسان بخشیده و شرایط جدیدی را به وجود آورده است. این شرایط بیانگر آن است که دیگر نمی توان با تصورات و شیوه‌های سنتی و استراتژی‌های از پیش تعیین شده برای مقابله با مشکلات حاصل از روند رشد علم و فناوری و تغییر در ابعاد مختلف زندگی مبارزه نمود (نصر اصفهانی، کریمی و بقراطیان، ۲۰۰۴) چرا که عصر حاضر در تمام جوامع با سرعت توسعه همه‌جانبه، به همراه کاربرد گسترده فناوری‌های جدید، گذر از جامعه صنعتی<sup>۱</sup> به جامعه اطلاعاتی<sup>۲</sup> شناخته شده است. از این رو، دانش نه تنها به صورت تصاعدی چند برابر شده، بلکه مدام مورد تجدیدنظر و اصلاح قرار می گیرد. در این راستا، دو عامل مسلط و برتر جهانی شدن و جامعه اطلاعاتی تأثیر عمده‌ای بر اقتصاد و مؤسسات اقتصادی داشته‌اند و سایر بخش‌ها از جمله مدارس و آموزش و پرورش نیز از این امر مستثنا نبوده‌اند (استیلیاندز و پاشیاردیس<sup>۳</sup>، ۲۰۰۷) بنابراین، امروزه انتظار از تعلیم و تربیت، با توجه به هزینه‌های هنگفتی که برای آن می شود، پرورش نسلی است که همپای تحولات جامعه بتواند نقش مفید و سازنده‌ای ایفا کند و این خود در گرو آن است که نسل تربیت شده از دانش، نگرش و مهارت‌های لازم برخوردار شده باشد.

نظر به اینکه، امروزه نمی توان نقش آموزش و پرورش را برای آینده جامعه کم اهمیت شمرد. بنیان همبستگی اجتماعی، پیشرفت اقتصادی، توسعه پایدار، تعالی انسانیت، صلح و دوستی همگی به آموخته‌ها و آموزه‌های آموزش و پرورش وابسته است. لیکن آموخته‌های دوران مدرسه، برای نیل به چنین اهداف متعالی، نارسا جلوه می کند. در نتیجه، یک بااندیشی بنیادی در ساختار، روش‌ها، محتوی، شیوه‌های سازماندهی و به ویژه تمرکز بر راهبردهای یادگیری که به بهسازی آموزش و پرورش منجر شود، ضرورت دارد. به گونه‌ای که فرد در یک فرایند دائمی، آگاهانه و مسئولانه، درگیر یادگیری شود و تعهد خود را نسبت به خود آموزی از طریق ایجاد، تقویت و تثبیت رویکرد «یادگیری مداوم» ارتقا دهد.

یادگیری مداوم از جمله موضوعات مهم در تعلیم و تربیت می باشد، دارای کلیتی است که همه سطوح و مراحل سنی را در برمی گیرد و در پی آن است تا محیط‌های یادگیری خارج از مدرسه را با محیط یادگیری درون مدرسه ارتباط دهد و مرزهای تصنعی یادگیری را از بین ببرد و بیانگر آن است که هر محیطی، بالقوه یک محیط یادگیری است و در نتیجه مدرسه دیگر جایگاه منحصر تعلیم و تربیت نیست، از طرفی با توجه به این که سند تحول بنیادین نقشه راه تعلیم و تربیت کشور می باشد، بررسی آن از منظر توجه به یادگیری مداوم از اهمیت بالایی برخوردار است. بر این اساس، پژوهش حاضر درصدد است به بررسی جایگاه یادگیری مداوم در دو بخش نظری و عملی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران پردازد.

<sup>۱</sup> Industrial Society

<sup>۲</sup> Information Society

<sup>۳</sup> Stylianides & Pashiardis

## سوالات پژوهش

- ۱- یادگیری مداوم دارای چه ابعاد و مؤلفه هایی است؟
- ۱- میزان توجه سند تحول بنیادین آموزش و پرورش به یادگیری مداوم چگونه است؟
- ۲- میزان توجه سند برنامه درسی ملی به یادگیری مداوم چگونه است؟

## روش پژوهش

روش پژوهش از نوع بنیادی با رویکرد کیفی است که از روش توصیفی - تحلیلی استفاده شده است. در روش تحلیلی ، اطلاعاتی که از طریق بررسی اسناد ، مدارک و کتابها به دست می آید به گونه ای سامان داده می شود که بتوان به پرسشهای پژوهشی پاسخ داد (سرمد وهمکاران، ۱۳۷۶) برای پاسخگویی به سوالات اصلی پژوهش، داده های مورد نیاز به روش اسنادی و با بهره گیری از منبع دست اول (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی) جمع آوری می شود و مورد بررسی تحلیلی قرار می گیرد .

## بررسی سوال اول پژوهش : یادگیری مداوم دارای چه ابعاد و مؤلفه هایی است؟

یادگیری مداوم، تحت عناوین دیگری مانند: «یادگیری در دوران زندگی»، «یادگیری مادام العمر»، «یادگیری مستمر»<sup>۲</sup> هم آمده است. یادگیری مداوم چیست؟ آیا یک روش است و یا یک ابزار؟ مقصد است یا فرایند؟ و بالاخره محدوده آن کدام است؟ در پاسخ به این پرسش ها باید گفت ، یادگیری مداوم، دارای کلیتی است که همه سطوح و مراحل سنی را در برمی گیرد و در پی آن است تا محیط های یادگیری خارج از مدرسه را با محیط یادگیری درون مدرسه ارتباط دهد و مرزهای تصنعی یادگیری را از بین ببرد. یادگیری مداوم بیانگر آن است که هر محیطی ، بالقوه یک محیط یادگیری است و در نتیجه مدرسه دیگر جایگاه منحصر تعلیم و تربیت نیست. «آموزش مداوم دارای جامعیتی است که کلیه اجزا و عناصر آموزشی و پرورشی را در برمی گیرد. این نوع آموزش، نظام آموزشی خاصی نیست، بلکه بستری است که هر طرح آموزشی جامع بر مبنای آن ایجاد می شود ، لذا باید زمینه ساز پیشرفت و توسعه هر یک از اجزای تشکیل دهنده نظام تربیتی باشد» (ابراهیم زاده ، ۱۳۷۳ : ۱۹)

ماهیت حقیقی در این نوع آموزش، تربیت آن گونه انسانی است که بیاموزد چگونه نیات و افکار خود را بیان کند ، چگونه محیط را مورد پرسش قرار دهد و هر چه بیشتر شخصیت واقعی خود را بازیابد و باز نماید. انسان، موجود کامل نشده ای است که فقط با برخورداری از آموزشی که سمت و سوی آن یادگیری دایمی و همه جانبه باشد به شکوفایی خواهد رسید . بدین لحاظ آموزش و پرورشی که بر مبنای فلسفه آموزش مداوم ایجاد و گسترش یابد ، به تحقق رساندن هستی و شکوفایی همه توانایی های بالقوه وجود انسانی را مورد توجه قرار خواهد داد(پورشافعی، ۱۳۹۰: ۱۲)

گراس(۱۹۸۱) در تعریفی از یادگیری مداوم می نویسد «یادگیری مداوم، رشدی است که جهت آن را خود شخص تعیین می کند، یعنی فهم خویش و جهان و کسب مهارت ها و توانایی های جدید . تنها ثروت واقعی که فرد از کف نخواهد داد

<sup>۱</sup> . Learning Throughout life

<sup>۲</sup> . Life Long Learning

<sup>۳</sup> . Continuing Learning

، سرمایه گذاری بر روی خود است . آموختن مداوم، یعنی فرح و شادمانی نحوه کار با اشیاء، شغف و شور آگاه شدن از برخی زیبایی های تازه جهان، لذت ساختن چیزی به تنهایی یا با دیگران» (فرجامی، ۱۳۷۲: ۸۶)

ادگار فور<sup>۱</sup> رییس کمیسیون بین المللی توسعه تعلیم و تربیت، پس از اتمام گزارش تحقیقی خود که در کتاب ارزشمند «آموختن برای زیستن<sup>۲</sup>» آمده است، از موضوع یادگیری مداوم غافل نمانده است (پتروفسکی و دیگران، ۱۳۶۵) این گزارش در زمان خاص خود (۱۹۷۲) دارای این مزیت ارزنده بود که مفهوم آموزش در طول عمر را در شرایطی که نظام آموزشی سنتی با چالش های متعددی مواجه بود، به خوبی نشان داد؛ مفهومی که هنوز پس از گذشت یک ربع قرن، محور اساسی و چالش آموزش و پرورش باقی مانده است. ژاک دلور<sup>۳</sup>، رییس قبلی کمیسیون بین المللی آموزش و پرورش برای قرن ۲۱، طی گزارشی که تحت عنوان: «یادگیری، گنج درون<sup>۴</sup>» (۱۹۹۶) منتشر کرده است. چهار ستون رازیر بنای آموزش و پرورش معرفی می کند تا به کمک آن هیچ یک از استعداد های انسانی که همچون گنجینه ای در نهاد هر انسانی نهفته است، بلااستفاده باقی نماند و به فعلیت برسد. این بنیان ها عبارت اند از :

یادگیری برای دانستن<sup>۵</sup> .۲. یادگیری برای انجام دادن<sup>۶</sup> .۳. یادگیری برای باهم زیستن<sup>۷</sup> .۴. یادگیری برای زیستن<sup>۸</sup> (دلور، ۱۳۷۵) وایتهد، نیز با بی مرز تلقی کردن جهان بر این باور است که انسان یک هستی زنده است و آموزش و پرورش الزاماً باید «خود یادگیری» وی را برانگیزد و هدایت کند. او باید از جمیع فرصت های فراهم آمده در سراسر عمر استفاده کند و به منزله یک فرآیند، انسان را از وضعی به وضع دیگر و از «بودن» های محدود به «شدن» های نامحدود، مبدل سازد. یادگیری مداوم، خودتکایی، یادگیری و خودآموزی در طول زندگی است. دانش آموزان باید طوری تربیت شوند که به مطالعه عادت کنند و آن را یکی از اساسی ترین نیازهای خود بدانند. یادگیری مداوم، در حقیقت نوعی تعهد به خودآموزی است. در نتیجه، آموزش مداوم نه روش و نه ابزار بلکه یک فرایند کلی است و روح آموزش، یادگیری و در نتیجه تربیت است.

### بررسی سوال دوم پژوهش : میزان توجه سند تحول بنیادین به یادگیری مداوم چگونه است؟

در سند تحول بنیادین در ابعاد مختلف به یادگیری مداوم تأکید شده که در این بخش بدان اشاره خواهد شد

#### مبانی هستی شناسی

**\*عالم ماده و همه موجودات وابسته به آن وجود تدریجی و در زمان دارند و همواره در حال شدن و دگرگونی و حرکت مداوم اند.**

همه موجودات مادی و نیز موجوداتی که در فعل خود به مادیات نیازمندند، دارای وجود تدریجی (در زمان) هستند، لذا جهان طبیعت، برخلاف ظاهر ثابت آن، واقعیتی ساکن، جامد و لایتغیر نیست، بلکه تمام موجودات جهان مادی و نیز موجودات وابسته به آن، اموری پیوسته متغیر، متحول و ناپایدارند که همواره در حال شدن و سیورورت (دگرگونی) هستند.

1 . Edgar Four

2 . Learning to Be

3 . Jacques Delors

4 . Learning : The Treasure Within

5 . Learning to Know

6 . Learning to Do

7 . Learning to Live Together

8 . Learning to Be

این دگرگونی دائمی جهان طبیعت در ذات و عرض آن رخ می دهد (نظریه حرکت جوهری) بنابراین، تمامی اجزای هستی مادی و موجودات متعلق به این عالم، در سطوح و مراتب مختلف وجود، در ذات خود در حرکت اند و سیر تکاملی خود را در حرکت مداوم به سوی کمال مطلق (خدا) طی می کنند (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۱، ص ۵۶)

### چگونگی وصول انسان به جایگاه شایسته خود در هستی

\* هر انسان برای درک مناسب موقعیت خود و دیگران و عمل مداوم برای بهبود آن بر اساس نظام معیار اسلامی، باید شایستگی های فردی و جمعی لازم را ( نظیر تعقل، معرفت، ایمان، تقوا، انگیزه، توانایی و مهارت جهت انجام اعمال صالح فردی و جمعی) کسب نماید.

درک و بهبود مداوم موقعیت خود و دیگران، حاصل تعامل فردی و جمعی پیوسته انسان (به منزله عنصری آگاه، آزاد و فعال) با خداوند و گستره ای از جهان هستی در محضر حق متعال است؛ و این گونه تعامل، مقتضی معرفت فرد نسبت به خود و اعتماد به خویش که شناسنده و اصلاح کننده موقعیت است و معرفت و باور به خداوند (حقیقت برتر و رب یگانه جهان و واقعیت فراتر هر موقعت) و کشف و برقراری نسبت عناصر موقعیت با خداوند متعال که مبدا و مقصد هستی است؛ چه این که هر گونه عمل آدمی نیز دست کم بر مبادی خردورزی، معرفت، باور، میل و اراده متکی است و عمل شایسته جمعی نیز علاوه بر انطباق محتوای آن با نظام معیار اسلامی (= تقوا) و تکیه عامل بر ایمان (= باور به خداوند و شناخت، انتخاب و التزام آگاهانه و اختیاری نظام معیار اسلامی)، نیازمند تحقق اوصافی جمعی در عاملان (نظیر همراهی و تعاون با یکدیگر در مسیر خیر، توصیه مداوم یکدیگر بر حق و تحمل مشکلات، سعه صدر، پذیرش خرد جمعی و پیروی همگان از تصمیمات رهبری خردمند و عادل) حاصل می شود و بدیهی است که هیچ یک از این خصوصیات لازم براید درک موقعیت خود و دیگران و عمل مداوم برای بهبود آن بر اساس نظام معیار اسلامی، در وجود انسان ها فعلیت ندارند و لذا باید هر انسان طی فرایندی مستمر، هدفمند و سنجیده، این گونه صفات و توانمندی های لازم (= شایستگی های فردی و جمعی) را کسب نماید. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۱: صفحات ۱۲۶، ۱۲۷)

### تعریف تربیت

«تربیت» را باید عملی جامع و یک پارچه، تدریجی، هماهنگ، فراگیر و همیشگی (مادام العمر) و مشتمل بر تمام فرآیندهای زمینه ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی دانست که به صورت امری واحد، با تکوین و تعالی پیوسته و یک پارچه تمام ابعاد فردی و اجتماعی وجود انسان، به منزله یک کل، سر و کار دارد (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۱: ص ۱۴۶)

### تربیت غیر رسمی

شکلی از فرایند تربیت است که در آن انواع شایستگی های لازم جهت درک موقعیت خود و دیگران و اصلاح مداوم آن بر اساس نظام معیار اسلامی، در جهت آماده سازی متریان برای تحقق مراتب حیات طیبه در ابعاد گوناگون، بدون سازمان دهی مشخص و از طریق تجارب روزمره و اختیاری متریان (مانند حضور در جمع خانواده، مطالعه کتاب و روزنامه، تماشای فیلم و تلویزیون، مشارکت در فعالیت گروه ها و انجمن ها، شرکت در مساجد و محافل مذهبی) کسب می شود. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۱: ص ۱۶۸)

## تربیت عمومی

بخشی از فرایند تربیت است که در جهت تکوین و تعالی مداوم هویت متریان با تاکید بر وجوه مشترک هویت، ضمن ملاحظه ویژگی های فردی و مشترک ایشان، انجام می شود تا متریان مرتبه ای از آمادگی را (برای تحقق حیات طیه در ابعاد فردی و اجتماعی) به دست آورند که تحصیل آن مرتبه، برای عموم افراد جامعه لام یا شایسته باشد. (مبانی نظری تحول بنیادین، ۱۳۹۱:ص ۱۶۳)

## اصول ناظر به روابط درونی تربیت رسمی و عمومی

### استمرار

انسان موجودی رشد یابنده است، هر چند این رشد جریانی واحد و دارای مراتبی تشکیکی است.. به سخن دقیق تر، رشد جریانی است که دارای وحدت تشکیکی است. به تبع این واقعیت فرایند تربیت امری مراتبی، چند جانبه و در عین حال پیوسته است. رعایت این اصل در تربیت رسمی و عمومی شامل مصادیق زیر است:

- توجه به مراتب مختلف اهداف تربیت در سطوح و مراحل تربیت رسمی و عمومی؛
- پیوستگی و انسجام محتوایی بین سطوح و مراحل تربیت رسمی و عمومی؛
- توجه به فراهم کردن زمینه های لازم برای استمرار یادگیری در طول زندگی؛
- توجه به پیوستگی تجارب یادگیری و معنادار شدن آن ها برای متریان (فلسفه تربیت رسمی و عمومی، ۱۳۹۱:صفحات ۲۸۴، ۲۸۵)

## بعد بیرونی مدرسه صالح

در بعد بیرونی همکاری، مدرسه، که در واقع بخشی از جامعه محلی متناسب با ویژگی های پیش گفته است، می تواند در جریان های اجتماعی ناظر به اصلاح مداوم موقعیت، فعال باشد، و مشارکت نماید و مشارکت بپذیرد. این مشارکت با نهادهای محلی و همچنین با مدارس هم جوار صورت می گیرد. یک بعد از این مشارکت به این صورت است که مدرسه محور توسعه جامعه محلی باشد. بعد دیگر این که مدرسه از همکاری نهادها و موسسات، اشخاص حقیقی و حقوقی، کع فراهم کننده فرصت های مکمل و جانبی برای توسعه و تعالی تجارب ارزنده یادگیری هستند، بهره مند گردد. (فلسفه تربیت رسمی و عمومی، ۱۳۹۱:ص ۲۹۷)

## نقش نهاد ها و سازمان های غیر دولتی

طیف گسترده ای از نهاد ها و سازمان های غیردولتی در جامعه ظرفیت پاسخ گویی به دعوت مشارکت جوینانه تربیت رسمی و عمومی را دارند. برخی از این سازمان ها و نهاد ها عبارت اند از:

- نهاد وقف؛
- مساجد و نهاد های مذهبی؛
- انجمن های خیریه در زمینه های مختلف اما مرتبط با تربیت رسمی و عمومی؛
- انجمن های علمی معلمان و متخصصان علوم تربیتی؛
- موسسات علمی و پژوهشی با علائق تربیتی؛
- انجمن های معلمان و کارگزاران تربیت رسمی و عمومی؛



- موسسات و شرکت های ارائه دهنده خدمات تربیتی (جنبی و اصلی)؛
- اشخاص حقیقی علاقمند به حوزه تربیت رسمی و عمومی؛
- انجمن ها و موسسات فرهنگی در حوزه علوم، فنون و هنر (فلسفه تربیت رسمی و عمومی، ۱۳۹۱: صفحات ۳۲۳، ۳۲۴)

**بررسی سوال سوم پژوهش: میزان توجه سند برنامه درسی ملی به یادگیری مداوم چگونه است؟**

برنامه درسی ملی به عنوان یکی از زیر نظام های اصلی سند تحول بنیادین و به منزله نقشه جامع یادگیری، زمینه ایجاد تحول همه جانبه، گسترده و عمیق در مفاهیم و محتوای آموزشی را فراهم می آورد. این برنامه تحول آفرین با تدارک فرصت های تربیتی متنوع و جامع، درصدد است تا امکان کسب شایستگی های لازم جهت درک و اصلاح موقعیت براساس نظام معیار اسلامی توسط دانش آموزان را میسر سازد و آنان را برای تکوین و تعالی پیوسته هویت خویش تا دستیابی به مراتبی از حیات طیبه یاری رساند. رسالت خطیر برنامه درسی ملی فراهم آوردن ساز و کارهای مناسب برای طراحی، تدوین، اجرا و ارزشیابی از برنامه های درسی در سطوح ملی تا محلی می باشد تا مبتنی بر فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، مفاهیم آموزشی و تربیتی به صورت نظام مند و ساختار یافته در اختیار کودکان و نوجوانان قرار گیرد و محیطی با نشاط و مدرسه دوست داشتنی را به تصویر بکشد.

یکی از اصول ناظر بر برنامه های درسی و تربیتی سند برنامه درسی ملی، یادگیری مادام العمر است.

### یادگیری مادام العمر

برنامه های درسی و تربیتی باید زمینه کسب شایستگی ها و مهارت های لازم برای استمرار و معنا دار شدن یادگیری و پیوستگی تجارب یادگیری در زندگی را برای دانش آموزان تأمین کند (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۱۰)

### رویکرد و جهت گیری کلی

رویکرد برنامه های درسی و تربیتی «فطرت گرایی توحیدی» است. اتخاذ این رویکرد به معنای زمینه سازی لازم جهت شکوفایی فطرت الهی دانش آموزان از طریق درک و اصلاح مداوم موقعیت آنان به منظور دستیابی به مراتبی از حیات طیبه است (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۱۱)

در این رویکرد:

**دانش آموز:** دانش آموز همواره در موقعیت است و می تواند آن را درک کرده و با انتخاب احسن خویش در راستای اصلاح مداوم آن حرکت نماید (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۱۲)

**معلم:** معلم با شناخت و بسط ظرفیت های وجودی دانش آموزان و خلق فرصت های تربیتی و آموزشی زمینه درک و انگیزه اصلاح مداوم موقعیت آنان را فراهم می سازد (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۱۲)

**محتوا:** مبتنی بر ارزش های فرهنگی و تربیتی و سازوار با آموزه های دینی و قرآنی، مجموعه ای منسجم و هماهنگ از فرصت ها و تجربیات یادگیری است که زمینه شکوفایی فطرت الهی، رشد عقلی و فعلیت یافتن عناصر و عرصه ها را به صورت پیوسته فراهم می آورد (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۱۲)

**یاد دهی یادگیری:** فرآیندی زمینه ساز برای ابراز گرایش های فطری، شناخت موقعیت یادگیرنده و اصلاح مداوم آن است (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۱۳)

**ارزشیابی:** به صورت مستمر تصویری روشن و همه جانبه از موقعیت کنونی دانش آموز، فاصله او با موقعیت بعدی و چگونگی اصلاح آن متناسب با ظرفیت ها و نیاز های وی ارائه می کند (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۱۳)

**محیط یادگیری:** مدرسه محیط یادگیری پایه و اصلی است؛ اما یادگیری به آن محدود نمی شود و سایر محیط ها نظیر محیط های اجتماعی، طبیعی، اقتصادی، صنعتی و فرهنگی را نیز در بر می گیرد (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۱۴-۱۳)

**مدیر مدرسه:** با برقراری روابط صحیح، سازنده و پویا، امکان درک و اصلاح مداوم موقعیت را برای کلیه عوامل (کارکنان و خانواده ها) و دستیابی به سازمان یادگیرنده فراهم می سازد (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۱۴)

**هدف کلی برنامه های درسی و تربیتی:** تربیت یکپارچه عقلی، ایمانی، علمی، عملی و اخلاقی دانش آموزان به گونه ای که بتوانند موقعیت خود را نسبت به خود، خدا، دیگر انسان ها و نظام خلقت به درستی درک و توانایی اصلاح مستمر موقعیت فردی و اجتماعی خویش را کسب نمایند (سند برنامه درسی ملی، ۱۳۹۱: ۱۶)

### بحث و نتیجه گیری

با عنایت به مباحث مطرح شده؛ در بخش نظری سند تحول بنیادین در ارتباط با یادگیری مداوم؛ مبانی هستی شناختی، انسان شناختی، معرفت شناختی و ارزش شناختی، اهداف، اصول، عوامل سهیم و موثر در یادگیری مداوم مورد بحث و بررسی قرار گرفت. در بخش نظری و اهداف مؤلفه هایی از جمله تقویت و نهادینه سازی مشارکت اثر بخش و مسؤلیت پذیری مردم، خانواده و نهادهای اقتصادی، مدیریت شهری و روستایی و بنیادهای عام المنفعه در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی، نهادینه کردن نگاه یکپارچه به فرایند تعلیم و تربیت با رویکرد تعالی بخشی در کلیه مؤلفه های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و افزایش مشارکت همگانی بویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی، تعامل اثر بخش و فعال نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با سایر نهادها و دستگاه های مرتبط به ویژه نهاد خانواده و رسانه با تأکید بر کاهش مرزهای تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی و در بخش عملی و یا راهکارهای سند تحول بنیادین به مناسب سازی فرهنگ سازمانی بر اساس معیارهای اخلاق اسلامی با تأکید بر تقویت روحیه اخوت، تعاون، خلاقیت و آموزش مستمر و تأمین تسهیلات و امکانات و ایجاد ساز و کارهای کارا و اثر بخش در آموزشهای ضمن خدمت معلمان و تقویت انگیزه و مهارت حرفه ای برای یادگیری مداوم تأکید شده که این موارد ناظر بر جایگاه و اهمیت یادگیری مداوم در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند برنامه درسی ملی می باشد که در پی ارتباط محیط های یادگیری خارج از مدرسه با محیط



یادگیری درون مدرسه می باشد.

## منابع

- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۰) سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران
- وزارت آموزش و پرورش (۱۳۹۱) سند برنامه درسی ملی جمهوری اسلامی ایران
- ابراهیم زاده، عیسی (۱۳۷۳) آموزش بزرگسالان، تهران: نشر دانشگاه پیام نور
- پورشافعی، هادی (۱۳۸۶) یادگیری مداوم؛ راهبرد پایدار آموزش و پرورش، ماهنامه پژوهشگران، شماره ۱۲-۱۳
- سرمد زهره، بازرگان عباس، حجازی، الهه (۱۳۷۶) روشهای تحقیق در علوم رفتاری، تهران: انتشارات آگاه
- فرجامی، هادی (۱۳۷۲) آموزش بزرگسالان در کشورهای گوناگون، گروهی از نویسندگان، مشهد: نشر آستان قدس رضوی، چاپ اول
- پتروفسکی، آرتور و دیگران (۱۳۵۶) "مجید رهنما، فردریک شامپیون، ادگار فور، عبدالرزاق قدوره، هانری لویز، فیلیپ هررا"، آموختن برای زیستن، تهران: نشر امیر کبیر
- دلور، ژاک (۱۳۷۵) یادگیری گنج درون، ترجمه فاطمه فقیهی و علیرئوف، تهران: پژوهشکده تعلیم و تربیت، تک نگاشت، شماره ۴
- کنیگ، الکساندر و برتراند اشنايدر (۱۳۷۴) نخستین انقلاب جهانی، مترجم شهیندخت، خوارزمی، تهران: احیاء کتاب، چاپ اول.
- تافلر، الوین (۱۳۷۲) موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی، تهران: چاپ مهر.
- فرمینی فراهانی محسن، احمدی هدایت حمید، احمدآبادی آرانی نجمه (۱۳۹۵) تحلیل و بررسی جایگاه یادگیری مداوم در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، هشتمین همایش انجمن فلسفه تعلیم و تربیت ایران، فلسفه آموزش و یادگیری مادام العمر، دانشگاه شهید چمران اهواز
- Costa, Arthur ۱. (۲۰۰۶). Five themes in a thought-full curriculum thinking skills and creativity ۱, ۶۲-۶۶.*
- Nasr Esfahani A, karimi S, Boghratian K. (۲۰۰۴). {zaroorate tavajoh be yadgirye madamolomr va naghsho daneshgah dar tahaghoghe an}. Research & Planning in Higher Education. ۳۷۴- ۴۰۸. {persian}*
- Stylianides, Marios & Petros Pashiardis (۲۰۰۷). The future of our Schools, international Journal of educational management, Vol ۲۱. No ۵, PP۳۸۴-۴۰۶. Available at. www.emeraldinsight.com.*